

## بررسی تطبیق اقامتگاه شخص حقیقی از نظر روابط بین‌المللی در سیستم حقوقی ایران و آنگلو آمریکن

### تعریف اقامتگاه

ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی ایران اقامتگاه شخصی حقیقی را باین شرح تعریف مینماید: «اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز امور او اقامتگاه محسوب است.»

در قسمت نهم تفسیر اصلی تعارض قوانین آمریکا Original Restatement of the Conflict of Laws اقامتگاه به ترتیب زیر تعریف شده است:

«محلی که در آنجا شخص ارتباطی ثابت با هدفهای قانونی معین داشته خواه از این نظر باشد که در آنجا خانه خود را قرارداده و یا براین مبنا باشد که قانون این محل را بعنوان محل اقامت او تعیین کرده است.»

مطابق قانون مدنی ایران، میتوان اقامتگاه شخص را محلی دانست که شخص در آنجا خانه مسکونی داشته باشد مشروط براینکه همان محل مرکز اصلی و مهم امور او نیز محسوب گردد. علیهذا چنانچه مرکز اصلی و مهم امور او محلی غیر از محل خانه مسکونی او باشد مرکز اصلی و مهم امور او اقامتگاه قانونی او محسوب خواهد شد. حال اگر شخص دارای دو یا چند مرکز اصلی و مهم امور باشد کدام یک از این محلها را میتوان محل اقامت قانونی او دانست قانون مدنی ایران در این مورد مسکوت است. قواعد تعارض قوانین امریکا ضابطه‌ای را که در این مورد بکار برده اینستکه محلی را که شخص غالباً اوقات خود را بخاطر انجام امور مهم در آنجا مصروف میدارد باید اقامتگاه قانونی او بحساب آورد.

در هر دو سیستم کامن‌لا Common Law و حقوق نوشته Written Law مصرح است که شخص نمیتواند در زمان واحد بیش از یک اقامتگاه داشته باشد و بهکنذا شخص نمیتواند بدون اقامتگاه باشد و این به «نظریه وحدت اقامتگاه» Unitary Concept

«of Domicile» معروف شده است. نظریه وحدت اقامتگاه باین شرح در ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی ایران منعکس گردیده که «هیچکس نمیتواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد» ولی قانون مزبور از تذکر اینکه هیچکس نمیتواند فاقد اقامتگاه باشد خودداری نموده است. نظریه وحدت اقامتگاه يك قاعده کلاسیک و غیرقابل انعطاف قسمت دوم تفسیر اصلی تعارض قوانین آمریکا میباشد.

امروزه مفهوم «اقامتگاه» در این شناخته شده که میتواند از نظر قضائی وظائف مختلفی داشته باشد. مطابق عقیده جدید مفهوم «اقامتگاه» نه تنها از نظریه کلاسیک «وحدت» پیروی نمیکند بلکه نسبتاً دارای مفاهیم متعددی است که در موارد مختلف اعمال میگردد. فی المثل در صورتیکه هر یک از دو دولت ذینفع بطور جداگانه بمنظور وضع مالیات برارث نسبت بمیراث متوفی در موقع فوت، محل اقامت او را در حوزه صلاحیت خود قلمداد نموده باشد این وضع از منطبق کلاسیک «وحدت اقامتگاه» که فرض داشتن دو اقامتگاه را برای متوفی غیرقابل قبول دانسته عدول نموده است. معیناً طرز تفکر جدید فرض داشتن دو اقامتگاه را بمنظور وضع واخذ مالیات قابل قبول میدانند.

#### دلایل:

الف - ملاکها و ضوابطی که در تعیین محل اقامت بکار برده میشود در دو کشور ذینفع ممکن است متفاوت باشد و نسبت باین تفاوت اصولاً ایرادی وارد نیست.

ب - اقدام دولت نخستین در وضع واخذ مالیات از میراث متوفائیکه محل اقامت او را در کشور خود فرض کرده اعتبار قضیه محکوم به Res Judicata را در مرافعه مالیاتی در کشور دوم پیدا نمیکند زیرا طرفین مرافعه در کشور دوم همان طرفین مرافعه در کشور اول نیستند.

ج - عده ای وضع واخذ مالیات را در هر دو کشور ذینفع براساس تئوری اوریس «Avarice Theory» تجویز مینمایند. این تئوری هر دو دولت را در وضع واخذ مالیات براساس تمایل شدیدی که در این خصوص دارند مجاز میدانند.

دومین تفسیر تعارض قوانین آمریکا (طرح رسمی پیشنهادی بخش اول سال ۱۹۶۷) در قسمت ۱۱ خود، قاعده تعیین محل اقامت شخص را به ترتیب زیر بیان مینماید:

الف - اقامتگاه مکانی است (معمولاً محل سکونت و خانه شخص است) که بعلمت تعیین وضعیت شخص بوسیله آن مکان، قواعد تعارض قوانین به آن معنای خاصی اعطاء میکند.

ب - هر شخص در کلیه اوقات دارای يك اقامتگاه است حداقل برای همان مقصودی که دنبال میکند و هیچکس در زمان واحد نمیتواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد.

علیهذا قاعده تعارض قوانین آمریکا همانند قانون مدنی ایران نظریه کلاسیک

«وحدت اقامتگاه» را پذیرفته است.

اقامتگاه در حقیقت بمنزله ابزاری است که توسط دادگاهها، در موقعیت‌های قانونی مختلف بمنظور تعیین صلاحیت دادگاه، اعمال قوانین حاکم بطور کلی و اعمال قوانین حاکم در موضوع نکاح در سیستم کامن‌لا بالاخص و نظائر آن بکار می‌رود. ماده ۵ قانون مدنی ایران می‌گوید «کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود...». کاملاً روشن است که مقصود از عبارت «کلیه سکنه ایران» اشخاص مقیم ایران یعنی اشخاصیکه اقامتگاه خود را دائماً و یا موقتاً در ایران قرار میدهند، میباشد. این اشخاص خواه دارای تابعیت ایرانی باشند و یا در زمره افراد بیگانه اصولاً تابع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردیکه قانون بعضی از قوانین را نسبت بمقیمان ایران که دارای تابعیت خارجی هستند استثناء کرده باشد (ماده ۷ قانون مدنی). بنابراین قانون مدنی ایران اعمال قوانین ایران را براساس اقامتگاه اشخاص بطور کلی پذیرفته است.

در سیستم حقوقی انگلو آمریکن Anglo-American هم معمولاً هرکجا در قوانین کلمه محل سکونت «Residence» بکار رفته باشد بهمان کلمه اقامتگاه «Domicile» تعبیر میگردد.

قسمت شانزدهم تفسیر تعارض قوانین امریکا (طرح رسمی پیشنهادی، بخش اول، سال ۱۹۶۷)، مانند ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی ایران تشکیل محل سکونت را از شرایط اکتساب اقامتگاه محسوب نداشته است. بنابراین در سیستم حقوقی امریکا نیز مانند سیستم حقوقی ایران ممکن است اقامتگاه شخصی در کشوری قرار داشته باشد که در آن کشور خانه مسکونی نداشته باشد.

## انواع اقامتگاه

۱- چهار نوع اقامتگاه وجود دارد:

الف - اقامتگاه اصلی Domicile of Origin

ب - اقامتگاه اختیاری Domicile of Choice

ج - اقامتگاه قراردادی Contractual Domicile

د - اقامتگاه قانونی Domicile by operation of law

الف - اقامتگاه اصلی، اقامتگاهی است که بوسیله قانون، در موقع تولد شخص، باو منتسب میگردد و آن عبارتست از انتساب محل اقامت پدر بفرزند. ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی ایران، اقامتگاه صغیر را همان اقامتگاه ولی او دانسته است.

در سیستم حقوقی انگلوآمریکن هم اقامتگاه اصلی شخص، از ابتدای تولدش همان اقامتگاهی است که پدر او دارا میباشد. فی‌المثل اگر اقامتگاه مردی دریانورد که تمام مدت زندگی‌اش را در دریا گذرانده است ایالت ماساچوست امریکا باشد و در موقعیکه کشتی او در آبهای بین‌المللی در حرکت است، برای او فرزندی متولد شود، قانون ایالت ماساچوست، محل اقامت پدر را بفرزند تفویض مینماید. علیهذا گرچه

فرزند محل سکونتی جز محل سکونت پدر خود در کشتی ندارد محل اصلی اقامت او ایالت ماساچوست خواهد بود.

در سیستم حقوقی انگلوآمریکن اگر پدر فوت کند، فرزند اقامتگاه مادر را کسب خواهد کرد، در صورتیکه در حقوق ایران در صورت فوت پدر، مطابق ماده ۱۰۰۶ قانونی مدنی فرزند صغیر اقامتگاه ولی قهری یعنی جد پدری را اکتساب میکند و در صورت فوت جد پدری فقط در صورتیکه مادر بعنوان قیم کودک صغیر انتخاب گردد، مطابق ماده فوق‌الذکر، اقامتگاه فرزند، اقامتگاه مادر که قیم او میباشد خواهد بود. بنابراین، در صورتیکه فرزندی از پدر ایرانی و مادر نیویورکی، ولی قهری نداشته باشد و مادر از طرف دادگاه بعنوان قیم فرزند خود انتخاب شود و مشارالیه در نیویورک اقامت کند، اقامتگاه فرزند تبعاً نیویورک خواهد بود و اگر دعوائی از طرف طلبکار مورث، در دادگاه نیویورک که محل اقامت وارث و قیم او میباشد اقامه شود، دادگاه نیویورک طبق سیستم حقوقی خود، در حالیکه هر دو رژیم حقوقی ایران و نیویورک محل اقامت صغیر را نیویورک شناخته، قانون اقامتگاه، یعنی قانون ایالت نیویورک را نسبت بمورد مرافعه که از موارد احوال شخصیه و حقوق ارثیه کودک صغیر نمیباشد، اعمال و اجرا خواهد کرد.

در سیستم حقوقی انگلوآمریکن، فرزندی که از رابطه نامشروع (Illegitimate) پا بمرضه وجود میگذارد، اقامتگاه مادر را تحصیل میکند، در صورتیکه در سیستم حقوقی ایران، چون طبق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمیشود» ضمن محرومیت از کلیه حقوق مدنی، فاقد اقامتگاه نیز خواهد بود شاید از این رو باشد که قانون مدنی ایران از تذکر این اصل حقوقی که هیچکس نمیتواند بدون اقامتگاه باشد، خودداری نموده است. اگر والدین بر اثر طلاق از یکدیگر جدا شوند مطابق عموم و اطلاق ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی ایران، اقامتگاه فرزند صغیر، اقامتگاه پدر و در صورت فوت پدر اقامتگاه جد پدری که ولایت قهری بر صغیر دارد و یا اقامتگاه قیمه منتخبه از طرف دادگاه خواهد بود.

در سیستم حقوقی انگلوآمریکن، در صورتیکه والدین از یکدیگر جدا شوند، اقامتگاه فرزند صغیر، اقامتگاه هر یک از پدر و مادر را که بوسیله دادگاه حضانت طفل بعهده او قرار گرفته، تبعیت خواهد کرد. در حقوق ایران، در حالیکه مطابق قانون حمایت خانواده دادگاه ممکن است حضانت فرزند صغیر را بعهده مادر واگذار نماید معیناً تصمیم دادگاه در اینخصوص تغییری در ولایت قهری پدر نسبت بفرزند و نتیجتاً تغییری در اقامتگاه فرزند صغیر که از اقامتگاه پدر تبعیت میکند نخواهد داد. بد اقامتگاه اختیاری عبارت است از اقامتگاهی غیر از اقامتگاه اصلی، به انتخاب شخصی که اهلیت این انتخاب را داشته باشد. این در حقیقت تغییر اقامتگاه اصلی است با اقامتگاه اختیاری.

در سیستم حقوقی انگلوآمریکن، فرزندیکه در سن صغر، اقامتگاه پدر و یا مادر، اقامتگاه او محسوب میشود، وقتیکه بسن بلوغ Age of Discretion میرسد و ازدواج

میکنند و یا بسن بلوغ میرسد و مجرد باقی میماند، اهلیت تشکیل اقامتگاه اختیاری را بدست می‌آورد. بنابراین شخص ذکور بمحض ازدواج، میتواند و اهلیت دارد که اقامتگاه مستقل خود را تشکیل دهد و اقامتگاه زوجه او بحکم قانون و تبعاً اقامتگاه زوج خواهد بود.

در سیستم حقوقی ایران چون اصولاً سن رشد یا کبر که مطابق ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی ۱۸ سال تمام میباشد و سن مزبور هم اصولاً «بعنوان شرط» قابلیت صحتی برای ازدواج» در ماده ۱۰۴۱ قانونی مدنی شناخته شده، اگر مطابق مستثنای ماده مزبور، دادگاه شخص ذکور را از شرط سن معاف نماید و مشارالیه پس از رسیدن بسن ۱۵ سال تمام ازدواج کند، معیناً از نظر حقوق مالی و اهلیت انجام معاملات تا رسیدن بسن ۱۸ سال تمام صغیر محسوب میشود و مطابق ماده ۱۱۸۰ قانونی مدنی، تحت ولایت قهری پدر و یا جد پدری خود قرار داشته و مطابق ماده ۱۰۰۶ قانون مزبور اقامتگاهش همان اقامتگاه پدر و یا جد پدری خواهد بود. بدیهی است در مورد شخص ذکوری که ازدواج کرده و محل سکونت مستقل از محل سکونت والدین برای خود و همسرش انتخاب نموده، اصولاً صحیح بنظر نمیرسد که قانون، اقامتگاهش را اقامتگاه پدر و یا جد پدری او بداند و زن او هم، اگر بسن ۱۸ سال تمام نرسیده باشد، بدلیل عدم اهلیت، اقامتگاهش مجزا از اقامتگاه شوهر قرار داشته باشد. چنین زوجینی اگر مسافرت کنند و محل سکونت و اقامت خود را خارج از ایران قرار دهند، از نظر قانون مدنی ایران، محل اقامتشان ایران، یعنی همان محل اقامت پدر و یا جد پدری آنان محسوب خواهد شد و این اشکال بیشتر خواهد بود اگر والدین آنان در دو کشور مختلف اقامت داشته باشند.

اشکال اخیرالذکر را تاحدی میتوان تحت ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی که میگوید «اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است» حل کرد و اقامتگاه زن شوهردار صغیر را به تبع اقامتگاه شوهر صغیرش، تحت ماده ۱۰۰۶ قانونی مدنی، همان اقامتگاه پدر و یا جد پدری شوهر او دانست.

مطابق ماده ۱۰۰۲ قانونی مدنی ایران، اگر شخص کبیر در محلی سکونت اختیار نماید و در عین حال مرکز مهم امور خود را نیز در همان محل قرار دهد و یا صرفاً بدون اینکه در آن محل سکونت کند، مرکز مهم امور خود را در آنجا قرار داده باشد در حقیقت آن محل را بعنوان اقامتگاه خود اختیار نموده است. بنابراین اگر یک ایرانی محل سکونتش را در همان مرکز مهم امور خود در ایران قرار داده باشد با تغییر محل سکونتش از ایران بیک کشور بیگانه، محل اقامتش در ایران تغییر نخواهد کرد و همچنین بالعکس اگر یک ایرانی و یا یک بیگانه که مرکز مهم امور او در خارج از ایران است در ایران سکونت داشته باشد باید برابر ماده ۱۰۰۲ قانونی مدنی، اقامتگاه او را خارج از ایران تلقی نمود.

ج - اقامتگاه قراردادی - ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی ایران میگوید: اگر ضمن معامله یا قراردادی طرفین معامله، یا یکی از آنها محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود

انتخاب کرده باشد، نسبت بدعاوی راجع به آن معامله همان محلیکه انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد...»

مطابق این ماده اگر یک طرف قرارداد ایرانی و طرف دیگر قرارداد انگلیسی باشد، صرفاً بمنظور اجرای تعهدات حاصله از آن قرارداد، یعنی تعهدات طرفین متعاملین در مقابل یکدیگر، بلا اشکال خواهد بود که طرف ایرانی اقامتگاه خود را لندن و یا طرف انگلیسی اقامتگاه خود را تهران معین کند.

### اقامتگاه قراردادی دارای خصایص زیر میباشد:

اول - اقامتگاه قراردادی فقط در مورد الزامات حاصله از قرارداد قابل اعمال است. علیهذا در مورد الزاماتی که بدون قرارداد حاصل میشود (Torts) (مواد ۳۰۱ بیعد قانونی مدنی) اقامتگاه قراردادی بین طرفین نمیتواند وجود داشته باشد ولی اگر طرفین در اثر وقوع حادثه‌ای تعهداتی در قبال یکدیگر پیدا کنند میتوانند نسبت به اجرای این تعهدات، در قراردادی که منعقد میکنند، محل اقامت قراردادی برای خود تعیین نمایند.

دوم - کاملاً روشن است که معامله و قراردادی که ماده ۱۰۱۰ اشاره میکند، معامله و قراردادیست که بین اشخاص حقوق خصوصی منعقد شده باشد. اشخاص حقوق عمومی از شمول ماده مذکور کاملاً خارج اند زیرا ماده ۱۰۱۰ از ضابطه مندرج در ماده ۱۰ قانون مدنی تبعیت میکند. این ماده میگوید: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آنرا منعقد نموده‌اند، نافذ است. قراردادهای عمومی و یا باصلاح حقوق بین‌المللی معاهدات Treaties و کنوانسیونهای بین‌المللی International Conventions از ضوابط حقوق عمومی پیروی میکنند که از بحث ما در اینجا خارج است.

سوم - اقامتگاه قراردادی مغایرتی با اقامتگاه اختیاری نداشته و نظریه «وحدت اقامتگاه» را نقض نمیکند زیرا همانطور که فوقاً اشاره شد اقامتگاه قراردادی فقط ناظر است بر اجرای تعهدات و الزامات حاصله از یک قرارداد معین و دعاوی مربوط به اجرای این تعهدات و الزامات، از نقطه نظر تعیین صلاحیت دادگاه. علیهذا شخص و یا اشخاصی که نسبت به یک قرارداد معین برای خود، اقامتگاه قراردادی انتخاب میکنند نمیتوان گفت بجای یک اقامتگاه دارای دو اقامتگاه هستند، زیرا اقامتگاه قراردادی یک اقامتگاه دائمی نبوده و با اتمام تعهدات و الزامات حاصله از قرارداد موضوع آن خود بخود منتفی میشود.

چهارم - باتوجه به ذیل ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی که میگوید نسبت بدعاوی راجع بقراردادی که طرفین متعاملین یا یکی از آنها برای اجرای تعهدات حاصله از آن قرارداد محلی غیر از اقامتگاه حقیقی خود انتخاب نموده‌اند، همان محلیکه انتخاب شده است اقامتگاه او محسوب خواهد شد، در صورتیکه طرفین متعاملین یکی ایرانی و دیگری انگلیسی باشد، اگر طرف ایرانی که مدعی علیه واقع شده است، اقامتگاه خود را در قرارداد لندن تعیین کرده باشد، طرف انگلیسی میتواند دعوی خود را علیه



طرف ایرانی در دادگاه اقامتگاه مدعی علیه یعنی دادگاه شهر لندن اقامه نماید و اگر عکس قضیه اتفاق افتد، یعنی طرف انگلیسی که مدعی علیه واقع شده اقامتگاه خود را در قرارداد تهران تعیین کرده باشد، دادگاه شهرستان تهران دادگاه صلاحیتدار برای طرح دعوی علیه او خواهد بود.

قاعده صلاحیتدادگاه محل اقامت مدعی علیه Actor Sequitur forum rei در ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی مدنی ایران پذیرفته شده است. ماده مزبور میگوید «دعوی راجع بدادگاههایی که رسیدگی نخستین مینمایند باید در همان دادگاهی اقامه شود که مدعی علیه در حوزه آن اقامتگاه دارد...» علیهذا اگر طرف ایرانی در قرارداد، اقامتگاه خود را لندن معین کند اگرچه اقامتگاه اختیاری و نیز محل سکونتش تهران باشد، مطابق ماده ۱۰۱۰ قانونی مدنی نسبت بدعوی راجع بآن قرارداد، اقامتگاه او شهر لندن محسوب شده و تحت قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت مدعی علیه، دادگاه لندن صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. در چنین صورتی اگر دادگاه لندن حکمی نسبت بدعوی مرتبط به قرارداد صادر نماید، چون قانون ایران دادگاه لندن را دادگاه صلاحیتدار شناخته از این نقطه نظر ایرادی نسبت بحکم وارد نیست و دادگاه شهرستان تهران در صورت حصول سایر شرائط، ممکن است باجازه ماده ۹۷۲ قانونی مدنی دستور اجرای چنین حکمی را در ایران بدهد.

پنجم - تعیین اقامتگاه قراردادی ضمن یک معامله و قرارداد معین، تأثیری در اقامتگاه اختیاری شخص ندارد و در نتیجه هیچگونه تغییری درحوزه قضائی صلاحیتدار نسبت باقامه دعوی دولت علیه مؤدی مالیاتی بمنظور مطالبه مالیات مرتبط بآن قرارداد نخواهد داد. در مثال بالا اگر طرف ایرانی اقامتگاه خود را در قرارداد لندن معین کند، مطابق اصول مالیاتی ملزم است مالیات بردرآمد ناشی از اجرای قرارداد را در حوزه محل اقامت اختیاری خود که مرکز مهم امور اوست یعنی تهران، بدولت ایران بپردازد.

د - اقامتگاه قانونی - این نوع اقامتگاه، اقامتگاهی است که شخص بحکم قانون اقامتگاه اختیاری خود را از دست میدهد و اقامتگاه شخص دیگری را میپذیرد، این نوع اقامتگاه با اقامتگاه اجباری و یا تبعی نیز تعبیر شده است (دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، جلد چهارم تهران، سال ۱۳۳۸، صفحه ۲۱۸).

ماده ۱۰۰۵ قانونی مدنی ایران میگوید «اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است» بنابراین بمحض اینکه زن شوهر اختیار میکند، اقامتگاه قبلی خود را بحکم قانون از دست میدهد و اقامتگاه شوهر را میپذیرد. تحت چنین ضابطه‌ای اگر زن ایرانی شوهر فرانسوی اختیار کند و شوهر اقامتگاهش پاریس باشد، زن ایرانی به تبع شوهر اقامتگاهش به پاریس تغییر پیدا خواهد کرد. همچنین اگر زن فرانسوی با مرد ایرانی که اقامتگاهش تهران است ازدواج کند محل اقامت زن فرانسوی به تبع شوهر به تهران تغییر خواهد نمود. ضابطه تبعیت اقامتگاه زن از اقامتگاه شوهر در حقوق فرانسه نیز در این مورد بمانند ضابطه حقوق ایران است.

در سیستم حقوقی انگلوآمریکن نیز مانند حقوق ایران و حقوق اکثر کشورهای  
قاره‌ای اروپا، Continental Countries اقامتگاه زن، اقامتگاه شوهر است. با وجود حکم  
قانون نسبت به تبعیت زن از اقامتگاه شوهر، قانونی مدنی ایران مواردی را پیش‌بینی  
کرده که زن میتواند اقامتگاه جداگانه داشته باشد. قسمت دوم ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی  
میگوید... (۱) معذک زنی که شوهر او اقامتگاه معلومی ندارد (۲) و همچنین زنیکه  
با رضایت شوهر خود (۳) و یا با اجازه محکمه مسکن علیحده اختیار کرده میتواند  
اقامتگاه علیحده نیز داشته باشد. از موارد سه‌گانه فوق، مورد دوم را که از نظر  
روابط بین‌المللی ممکن است اهمیت بیشتری داشته باشد، یعنی موردیکه زن با رضایت  
شوهر خود، با اختیار مسکن میتواند اقامتگاه علیحده نیز داشته باشد ذیلا مورد بحث  
قرار میدهیم:

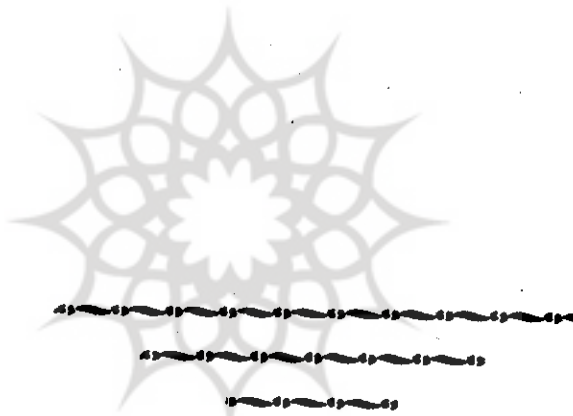
زن با موافقت شوهر خود حق اختیار مسکن و در نتیجه حق دارا بودن اقامتگاه  
علیحده را دارد. علیهذا زن میتواند ضمن عقد نکاح و یا بموجب سند الزام‌آور دیگری  
با شوهر خود توافق کند که دارای مسکن و اقامتگاه علیحده باشد. این نوع اقامتگاه  
را میتوان به اقامتگاه قراردادی زن تعبیر کرد. براین مبنا، فی‌المثل، زن میتواند با  
شوهر خود توافق کند که محل سکنی و اقامتش جدا از اقامتگاه اختیاری شوهر که  
تهران است در شهر پاریس باشد. باین ترتیب اگر شوهر ایرانی مقیم تهران، بوجه  
الزام‌آوری نسبت به اقامتگاه زن فرانسوی خود که پاریس باشد توافق کرده باشد، زن  
را با وجود زندگی در خارج از اقامتگاه شوهر، نمیتوان ناشزه شناخت و عدم تمکین  
از شوهر باین لحاظ در مورد او صدق نخواهد کرد و حق نفقه را از دست نخواهد داد  
(ماده ۱۱۱۴ قانونی مدنی نیز ملاحظه شود).

در سیستم حقوقی ایران، یکی از وظائف زوجیت زن اینستکه مطابق مواد ۱۰۰۵ و  
۱۱۱۴ قانون مدنی در اقامتگاه شوهر زندگی کند. در مورد زن ناشزه‌ایکه اقامتگاه  
شوهر را ترك و محل دیگری را برای زندگی انتخاب مینماید، چون عملی خلاف قانون  
انجام داده علاوه براینکه حق نفقه را از دست میدهد، دادگاه ممکن است برائش  
شکایت شوهر، او را به مراجعت به محل اقامت شوهر و تمکین از او ملزم نماید. معهذا  
قانون مدنی ایران اقامتگاه زن ناشزه را در دوران نشوز معین نکرده است. در صورتیکه  
زن ناشزه بخارج ایران سفر کند مطابق قانون ایران، از نقطه نظر ابلاغ دادخواست  
واخطاریه‌های دادگاه، معلوم نیست که اقامتگاه زن را همان اقامتگاه شوهر باید تلقی  
نمود و یا در دوران نشوز، اقامتگاهی را که واقعا در آنجا زندگی میکنند باید اقامتگاه  
او محسوب داشت؟

در سیستم حقوقی انگلوآمریکن همانطور که فوقاً مذکور افتاد، اقامتگاه زن  
اقامتگاه شوهر اوست. معهذا زنیکه تحت رژیم Separation جدا از شوهر خود زندگی  
میکند، حق دارد برای خود در زمان جدائی اقامتگاه جداگانه داشته باشد بدون توجه  
باینکه نسبت به تقاضای طلاق ذیحق است یا خیر؟ و یا در ترك اقامتگاه شوهر مقصر  
است یا خیر؟



با بررسی اجمالی مقررات اقامتگاه شخصی حقیقی در سیستم حقوقی ایران و آمریکا و با توجه به تحولاتیکه در زمینه پیشرفت و گسترش امور اقتصادی در ایران و در نتیجه بسط و توسعه روابط بین‌المللی تجارتي و خانوادگی مرتباً در حال وقوع میباشد بنظر نویسنده کاملاً بموقع است که با استفاده از مقررات سایر کشورها مخصوصاً کشورهای حقوق آنگلو ساکسن اصلاحات و تغییرات لازم در مقررات اقامتگاه صورت گیرد که از نظر روابط بین‌المللی بتواند جوابگوی احتیاجات امروزی جامعه در حال تحول ایران باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی